

تاریخ نشر در انترنیت:

نهم ماه جون سال میلادی 2011

وزن شعر و ترانه

درس ششم

دوستان عزیز،

در نظر بود در این نشست درباره شیوه نوین ساختن و کته گوری بندی (classification)، تمام اوزان (وزنهای) کمی شعر (از دیدگاه کوتاهی و درازی هجاها) بحث را آغاز کنم و اندوخته های خود را با دوستان در میان بگذارم. اما شماری از دوستان گفتند که باید در تقطیع تمرین بیشتر کنیم زیرا هنوز در شناختن هجاها مشکل داریم. به خواست دوستان **لیک** گفته و اینک یک وزن زیبا را به بررسی میگیریم و یک غزل **حافظ** و یک سروده بسیار زیبا از شاعر معاصر، **محمد کاظم کاظمی** را تقطیع می کنیم. موضوع شیوه نوین ساختن اوزان را در درسهای بعدی مطرح خواهیم کرد.

وزن مورد مطالعه در این درس	
نام عربی این وزن ↓	تقطیع عروضی این وزن ↓
مبحث مثنی محذوف	مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فععلن

در جدولهای زیرین علامات زیر **زیر** و **پیش** و علامت سکون را بر برخی هجا های کوتاه گذاشته ام، اما نه بر همه هجا های کوتاه. دو دلیل دارد: یکی اینکه بسیار وقت مرا میگیرد، دوم اینکه میخواهم دوستان آن علامات را در ذهن خود از روی متن هر مصراع مشخص سازند.

15	14	13	12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1	مصراع ↓	بیت ↓
هجا های 1 تا 7 از دیدگاه کمیت، پس از هجای 8 تکرار میشوند ↓																
7	6	5	4	3	2	1		7	6	5	4	3	2	1		
—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	—	U		
دم	ق	ب	دم	ق	دم	ق	دم	دم	ق	ب	دم	ق	دم	ق		
صورت اول این وزن ↑																

↓ صورت دوم این وزن

14	13	12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1		
—	—	—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	—	U		
دم	دم	دم	ق	دم	ق	دم	دم	ق	ب	دم	ق	دم	ق		

به ساختار این وزن توجه می کنیم. این وزن میتواند دارای دو شکل باشد. گاهی 15 هجا دارد و گاهی 14 هجا.

هجاهایی که به رنگ آسمانی روشن نشانی شده اند، هیچ تغییر نمیکنند.

15	14	13	12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1		
—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	—	U		
	U	U	اما دوهجای کوتاه شماره 13 و 14 ←													
	—		میتوانند به یک هجای دراز تبدیل شوند													

این تغییر کوچک برای این وزن طبیعی است. شنونده تغییر را لمس نمی کند.
دلیلش پسان، در درسهای بعدی تشریح خواهد شد.

اما این خاصیت این وزن، به سُنْگُو یا شاعر اجازه میدهد که به آسانی در اخیر هر مصراع 3 هجای دراز را بیاورد.

طور مثال: بگوید **خبر دارم** **خ** **بر** **دا** **رم**، **یغمایی** **یغ** **ما** **یی** **و** **غیره**

یک غزل حافظ را تقطیع می کنیم														مصراع ↓	بیت ↓	
تنت به نازِ طیبیان نیازمند مباد														1	1	
15	14	13	12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2			1
—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	—			U
باد	م	د	من	ز	یا	ن	بان	بی	ط	ز	نا	ب	ن	ت		
وجود نازکت آزرده گزند مباد														2		
باد	م	د	زن	ک	یی	د	ز	تا	ک	ز	نا	د	جو			و

توجه شود که **نازکت** آچطور تقطیع شد به شکل **نا ز ک تا**

شاعران ورزیده این باریکی ها را نه مانند ما و شما در **جدول**، بلکه در **ذهن** خود انجام میدادند و میدهند

سلامت همه آفاق در سلامت توست														1	2
توست	ت	م	لا	س	در	ق	فا	آ	م	ه	تی	م	لا		
به هیچ عارضه شخصی تو درد مند مباد														2	
باد	م	د	من	د	در	ت	صی	شخ	ض	ر	عا	چ	هی		

هر آن که ماهِ جمالت به چشمِ بد بیند														1	3	
14	13	12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1			
—	—	—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	—	U			
ند	بی	بد	م	چش	ب	لت	ما	ج	ه	ما	ک	ران	ه			
بر آتشِ تو به جز چشمِ او سپند مباد														2		
15	14	13	12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2			1
—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	—			U
باد	م	د	پن	س	او	م	چش	جز	ب	ت	شی	ت	را	ب		
در آن مقام که حسن تو جلوه آغازد														1	4	
14	13	12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1			
—	—	—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	—	U			
زد	غا	آ	و	جل	ت	نی	حس	ک	م	قا	م	ران	د			
مجال طعنه بدبین بدپسند مباد														2		
15	14	13	12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2			1
—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	—			U
باد	م	د	سن	پ	بد	بی	بد	ی	ن	طع	ل	جا	م			
کمال صورت و سیرت ز امن صحبت توست														1	5	
ک	ما	ل	صو	ر	ت	سی	رت	ز	ام	ن	صح	ب	ت			توست
که ظاهره دژم و باطنه نژند مباد																
ک	ظا	ه	رت	د	ژ	مو	با	ط	نت	ن	ژن	د	م	باد		
بدین چمن چو در آید خزان یغمایی														1	6	
14	13	12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1			
—	—	—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	—	U			
بی	ما	یغ	ن	زا	خ	ید	را	د	چ	من	چ	دین	ب			
رهش به سرو سهی قامت بلند مباد														2		
ر	هش	ب	سر	و	س	هی	قا	م	تی	ب	لن	د	م			باد
شفا ز گفته شکر فشان حافظ خواه																
14	13	12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1			
—	—	—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	—	U			
خواه	فظ	حا	ن	شا	ف	کر	شک	ی	ت	گف	ز	فا	ش			
که حاجت به علاج گلاب و قند مباد														2	7	
ک	حا	ج	ت	ب	ع	لا	جی	ک	لا	ب	قن	د	م			باد

شعری از محمد کاظم کاظمی - شاعر معاصر در همین وزن مورد بررسی درسی کنونی ما

این سروده بسیار زیبا زیر عنوان پیاده آمده بودم، پیاده خواهم رفت شهرت یافته است

متن سروده را از لینک زیر برداشته ام ↓

http://urbatecture.blogspot.com/2007/12/blog-post_12.html

بیت	مصراع	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13	14	15
	↓	غ	رو	ب	در	ن	ف	سی	گر	م	جا	د	خوا	هم	رفت	—
1		غروب در نفس گرم جاده خواهم رفت														
		پ	یا	د	آ	م	د	بو	دم	پ	یا	د	خوا	هم	رفت	
2		پیاده آمده بودم، پیاده خواهم رفت														
		ط	لس	م	غر	ب	ت	مم	شب	ش	کس	ت	خوا	هد	ش	
1		طلسم غربتم امشب شکسته خواهد شد														
		و	سف	ر	ای	ک	ت	هی	بو	د	بس	ت	خوا	هد	ش	
2		و سفرهای که تُهی بود، بسته خواهد شد														
		و	در	ح	وا	ل	ی	شب	ها	ی	عی	د	هم	سا	یه	
1		و در حوالی شبهای عید، همسایه!														
		ص	دا	ی	گر	ی	ن	خوا	هی	ش	نی	د	هم	سا	یه	
2		صدای گریه نخواهی شنید، همسایه!														
		همان غریبه که قُلک نداشت، خواهد رفت														
		قُلک یا غُلک ظرفی گلین یا فلزی است که کودکان پول خود را در آن اندازند و جمع کنند.														
1		در لهجه کابل آن را به شکل غولک شنیده ام.														
		ه	مان	غ	ری	ب	ک	قل	لک	ن	دا	شت	خوا	هد	رفت	
2		و کودکی که عروسک نداشت، خواهد رفت														
		و	کو	د	کی	ک	ع	رو	سک	ن	دا	شت	هم	سا	یه	
		* * *														
		منم تمام افق را به رنج گردیده،														
1		م	نم	ت	ما	م	أ	فق	را	ب	رن	ج	گر	دی	ده	
2		منم که هر که مرا دیده، در گذر دیده														

ده	دی	ذر	ک	در	د	دی	را	م	ک	هر	ک	نه	م		
منم که نانی اگر داشتیم، ز آجر بود														1	6
بود	جر	آ	ز	تم	ش	دا	گر	ا	ن	نا	ک	نه	م	2	
و سفره‌ام - که نبود - از گرسنگی پُر بود														1	7
بود	پُر	گی	ن	رس	ک	دز	بو	ن	ک	ام	ر	سف	و	2	
به هر چه آینه، تصویری از شکست من است														1	8
15	14	13	12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1	
—	u	u	—	u	—	u	—	—	u	u	—	u	—	u	
نسبت	م	ت	کس	ش	از	ر	وی	نص	ن	ی	آ	چ	هر	ب	
به سنگ سنگ بناها، نشان دست من است														1	9
نسبت	م	ت	دس	ن	شا	ن	ها	نا	ب	ک	سن	ک	سن	ب	
اگر به لطف و اگر قهر، می‌شناسندم														1	10
دم	سن	نا	ش	می	ر	قهر	گر	ا	ف	ا	لط	ب	گر	ا	
تمام مردم این شهر، می‌شناسندم														1	11
دم	سن	نا	ش	می	ر	شه	این	م	د	م	مر	م	ما	ت	
من ایستادم، اگر پشت آسمان خم شد														1	12
شد	خم	مان	س	آ	ت	پش	گر	م	د	م	تا	س	نی	م	
نماز خواندم، اگر دهر این ملجم شد														1	13
شد	جم	مل	ن	اب	ر	ده	گر	م	د	م	خوان	ز	ما	ن	
این دو بیت ↓ در بالا تقطیع شده اند															
طلسم غربتم امشب شکسته خواهد شد														1	14
و سفره‌ام که تھی بود، بسته خواهد شد														2	
غروب در نفس گرم جاده خواهیم رفت														1	15
پیاده آمده بودم، پیاده خواهیم رفت														2	

چگونه باز نگردم، که سنگرم آنجاست														1	16
جاست	آن	رم	ک	سن	ک	دم	گر	ن	ز	با	ن	گو	چ	2	
چگونه؟ آه، مزار برادرم آنجاست														1	17
جاست	آن	رم	د	را	ب	ری	زا	م	ه	آ	ن	گو	چ	2	

چگونه باز نگردم که مسجد و محراب											1	13		
چ	گو	ن	با	ز	م	گر	دم	ک	مس	ج	دو		مح	راب
و تیغ، منتظر بوسه بر سرم آنجاست											2	14		
و	تی	غ	من	ت	ظ	ری	بو	س	بر	س	رم		آن	جاست
اقامه بود و اذان بود آنچه اینجا بود											1	15		
ا	قا	م	بو	د	ا	زان	بو	د	آن	چ	این		جا	بود
قیام‌بستن و الله اکبرم آنجاست											2	16		
ق	یا	م	بس	ت	ن	ال	لا	ه	اک	ب	رم		آن	جاست
شکسته‌بالی‌ام اینجا، شکستِ طاقت نیست											1	17		
ش	کس	ت	با	ل	ا	مین	جا	ش	کس	ت	طا		قت	نیست
کرانه‌ای که در آن خوب می‌پریم، آنجاست											2	18		
ک	را	ن	ای	ک	د	ران	خو	ب	می	پ	رم		آن	جاست
مگیر خرده که یک پا و یک عصا دارم											1	19		
م	گی	ر	خر	د	ک	یک	پا	و	یک	ع	صا		دا	رم
مگیر خرده، که آن پای دیگرم آنجاست											2	20		
م	گی	ر	خر	د	ک	آن	پا	ی	دی	گ	رم		آن	جاست
شکسته می‌گذرم امشب از کنار شما											1	21		
ش	کس	ت	می	گ	ذ	رم	ام	ش	بز	ک	نا		ر	ش
و شرمسارم از الطاف بی‌شمار شما											2	22		
و	شر	م	سا	ر	م	زل	طا	ف	بی	ش	ما		ر	ش
من از سکوت شب سردتان خبر دارم											1	23		
م	نز	س	کو	ت	ش	بی	تا	ر	تان	خ	بر		دا	رم
شهید داده‌ام، از دردتان خبر دارم											2	24		
ش	هی	د	دا	د	ا	مز	در	د	تان	خ	بر		دا	رم
تو هم به‌سان من از یک ستاره سر دیدی											1	25		
ت	هم	ب	سا	ن	م	نز	یک	س	تا	ر	سر		دی	دی
پدر ندیدی و خاکستر پدر دیدی											2	26		
پ	در	ن	دی	د	و	خا	کس	ت	ری	پ	در		دی	دی
تویی که کوچه غربت سپرده‌ای با من											1	20		

من	با	ای	د	پر	س	بت	غر	ی	چ	کو	ک	یی	ت		
و نغش سوخته بر شانه برده ای با من														2	
من	با	یی	د	بر	ن	شا	بر	ت	خ	سو	ش	نع	و		
تو زخم دیدی اگر تازیانه من خوردم														1	21
دم	خُر	من	ن	یا	ز	تا	گر	ا	د	دی	م	زخ	ت		
تو سنگ خوردی اگر آب و دانه من خوردم														2	
دم	خر	من	ن	دا	ب	آ	گر	ا	د	خر	گ	سن	ت		
اگرچه مزرع ما دانه‌های جو هم داشت														1	22
داشت	هم	جو	ی	ها	ن	دا	ما	ع	ر	مز	چ	گر	ا		
و چند بته مستوجب درو هم داشت														2	
داشت	هم	رو	د	بی	ج	تو	مس	ی	ت	بت	د	چن	و		
اگرچه تلخ شد آرامش همیشه تان														1	23
تان	ی	ش	می	ه	شی	م	را	دا	ش	خ	تل	چ	گر	ا	
اگرچه کودک من سنگ زد به شیشه تان														2	
تان	ی	ش	شی	ب	زد	گ	سن	من	ک	د	کو	چ	گر	ا	
اگرچه متهم جرم مستند بودم														1	24
دم	بو	ند	ت	مس	م	جر	می	ه	ت	مت	چ	گر	ا		
اگرچه لایق سنگینی لحد بودم														2	
دم	بو	حد	ل	یی	ن	گی	سن	ق	ی	لا	چ	گر	ا		
دم سفر میسندید ناامید مرا														1	25
را	م	د	می	ا	نا	د	ری	ذا	ک	م	فر	س	می	د	
ولو دروغ، عزیزان! بهل کنید مرا														2	
بِهَل کنید چنین معنی میدهد: فکر کنید که بدهی خود را پرداخته ام و دیگر قرض دار تان نیستم														2	
گرچه قرض دار بودم، دروغ است														1	26
را	م	د	نی	ک	هیل	ب	زان	زی	ع	غ	رو	د	لو	و	
تمام آنچه ندارم، نهاده خواهم رفت														1	
رفت	هم	خو	د	ها	ن	رم	دا	ن	چ	آن	م	ما	ت		
پیاده آمده بودم، پیاده خواهم رفت														2	

پ	یا	د	آ	م	د	بو	دم	پ	یا	د	خو	هم	رفت	
به این امام قَسَم، چیز دیگری نبرم														
ب	این	ا	ما	م	ق	سم	چی	ز	دی	گ	ری	ن	ب	رم
به جز غبارِ حَرَم، چیز دیگری نبرم														
ب	جز	غ	با	ر	ح	رم	چی	ز	دی	گ	ری	ن	ب	رم
خدا زیاد کند اجرِ دین و دنیاتان														
خ	دا	ز	یا	د	ک	ند	اج	ر	دی	ن	دن	یا	تان	
و مستجاب شود باقی دعاها تان														
و	مس	ت	جا	ب	ش	ود	با	ق	یی	د	عا	ها	تان	
همیشه قُلک فرزندهایتان پُر باد														
ه	می	ش	قُل	ل	ک	فر	زن	د	ها	ی	تان	پُر	باد	
و نان دشمن تان - هر که هست - آجُر باد														
و	نا	ن	دش	م	ن	تان	هر	ک	هس	ت	آ	جُر	باد	
مشهد - ۲۷/۱/۱۳۷۰														

دوستان عزیز، درباره شیوه تبادُل تجربه، انتخاب وزن مورد بررسی، در باره انتخاب شعر برای تقطیع، درباره پیشگشی مواد درسی از لحاظ نوعیت حروف، رنگ آمیزی هجا ها، خانه های جدول، تقسیم کردن و شماره گذاری مصراع ها، بیت ها و در مورد همه مطالب لطف کنید و ابراز نظر نمایید. تا در کارهای بعدی آنها را بیشتر بهبود بخشیم. من به این نظر هستم که مندرجات درس اول چیزه کی بود، درس دوم چیزه کی شد کمی بهتر و گام به گام خودم در افاده و پیشگشی کردن مطالب تجربه کسب کردم و آموختم. سوالها، ابراز نظرها و پیشنهادهای دوستان در این بهبود - اگر بهبود بوده باشد - نقش داشتند.

اگر درسهای گذشته را مرور کرده اید و سوال دارید، لطف کنید و سوالها را مطرح کنید - از طریق «پیامخانه عمومی» و یا «پیامخانه خصوصی» - هر دویس درست است.

سرانجام اگر این کارها و درسها را یک اندازه مفید میدانیم، پس بیایید دستها را بالا کنیم و هر کدام ما برای کمپیوتر های خود کف بزنیم. من از کمپیوتر خود تا کنون به طور نسبی راضی هستم. کف نمی زنم ولی راضی هستم.

پیشنهاد های تان را مطرح کنید. حتمی نیست که تمام پیشنهادها به یکباره گی پذیرفته شوند و در عمل پیاده شوند. زیرا من یکی و شما نام خدا کم نیستید. اما تا کنون کوشش شده که بسیاری از پیشنهاد های رسیده، مد نظر باشند. کار انجمن «وزن شعر و ترانه» از درس دوم به بعد شکل جاده دو طرفه را به خود گرفته است.

دوستان عزیز، یک موضوع دیگر را نیز مطرح میکنم. من دارای **جهانبینی** و **ایدیالوژی** بودم و **هستم**. دوستان انجمن نیز از خود نظریات سیاسی، اجتماعی و ... **دارند**. زمانی که داخل انجمن «**وزن شعر و ترانه**» میشویم، یک هدف داریم: دربارهٔ وزن شعر و ترانه بحث و تبادل نظر میکنیم **آنها** به شکل دوستانه. **پُستاره** های نظریات سیاسی، **اجتماعی**، **پیشداوریهای** مذهبی، **قومی**، **نژادی**، **سمتی**، **زبانی**، و **چی** و **چی** خودها را اگر **باز** میکنیم و **بادیگران** مطرح میکنیم، در صفحهٔ فیس بوکی که هر یک از ما و شما به نام **اصلی** خود و یا با نام **مستعار** درست کرده ایم، در آنجا مطرح میکنیم. این **حق مسلم** همه گی است. اما بیایید **قول** و **قرار** بگذاریم که پیش از ورود به **جلسهٔ** انجمن «وزن شعر و ترانه» و این جلسه 24 ساعت فعال است، بلی پیش از وارد شدن به جلسه، آن **پُستاره** را (**خوب** پستاره است، **خراب** پستاره است، هر چه است، **خدا و هست**) در کدام جای مصئون بیرون از انجمن بگذاریم. زمانیکه از صفحهٔ فیس بوکی «وزن شعر و ترانه» **برآمدیم**، پستارهٔ های خود را **برداشته** دنبال اهداف سیاسی، قومی و ... خود برویم.

شماری از دوستان به من اعتراض کردند که کدام شخص را به عضویت انجمن نمی پذیرم و یا ... به آن دوست عزیز ابراز کردم که شخص مورد نظر برود به سایت **ترقی** ↓

<http://www.taraqi.eu/>

تمام مطالب درسی انجمن فیس بوکی «**وزن شعر و ترانه**» در آنجا درج میباشند. اگر ضرورت **دارد** بخواند. من هیچ شخص را از این کار **محروم** نمیکنم. برعکس همه گی را **تشویق** میکنم.

به دوست عزیز اعتراض کننده نوشتم:

کشور های خارجی و برخی از شخصیتهای کشور ما **شوربختانه** کارهایی کردند و **میکنند** که در نتیجهٔ آن در حال حاضر هر **مجلس** و هر **نشست** افغانها به **دعواهای قومی**، مذهبی، **زبانی** و **سمتی** و غیره مبدل شده **است**. برخی ها میخواهند این ویروس یا **میکروب** را به انجمن «وزن شعر و ترانه» نیز بیاورند و کار تبادل تجربه و آموزش را نیز **مُختل** کنند. ما به این کار اجازه **نخواهیم** داد. بروند در روی سرک (جادهٔ) فیس بوکی هر مطلبی را که میخواهند بیان کنند. تخم نفاق پاشند، هواخواه پیدا کنند و غیره.

منتظر نظر شما دوستان در این باره نیز **بودم** و **هستم**.

خواهش دیگرم این است که خودم غلطی های تاپیی، چی و چی و ... را متوجه نمیشوم، لطف کنید در جایی که چیزی مانند غلطی یافتید، برایم اطلاع بدهید!! **چنین باد!**

به من کمک کنید، یعنی **به انجمن** کمک کنید! عضو انجمن هستید یا نیستید، از کمک تان برای یک کارک **کوچک** فرهنگی (آموختن و آموزاندن وزن شعر و ترانه) دریغ نکنید.

سپاس از دوستان!